



## گرامی باد اول ماه مه ، روز جهانی کارگر!

کارگران جهان امسال در شرایطی به پیشواز روز جهانی کارگر (اول ماه مه) می‌روند که بحران سر تا پای نظام سرمایه‌داری را فراگرفته و سرمایه‌داران زالوصفت برای حفظ سودهای نجومی خود با کمک دولت‌های حامی‌شان برنامه‌های "ریاضت اقتصادی" کمرشکنی را بر کارگران و کل زحمتکشان تحمیل نموده‌اند؛ با این هدف که همچون همیشه بار بحران‌های ذاتی نظام خود را هر چه بیشتر بر دوش کارگران و زحمتکشان سرشکن نمایند. برنامه‌هایی که شرایط کار و معیشت کارگران را شدیداً به مخاطره انداخته و تامین حداقل زندگی را برایشان سخت و دشوار نموده است. اخراج‌های وسیع، بیکاری، فقر و گرسنگی و بیخانمانی ارمغان تاکنونی چنین برنامه‌هایی برای محرومان بوده است تا سودهای باد آورده مشتتی سرمایه‌دار مفتخور تداوم یابد.

روشن است که این واقعیت، ویژگی یک کشور مشخص نیست بلکه با توجه به سلطه جهانی نظام سرمایه‌داری این امر در کل نظام سرمایه‌داری در همه کشورها به درجات گوناگون خود را نشان می‌دهد. اگر در قبرس دولت سرمایه‌داران یکباره به فکرش می‌افتد که بخشی از موجودی و پس انداز مردم در بانک‌ها را به آن‌ها نپرداخته و به جیب بزند (امری که با اعتراض شدید مردم مواجه شده و دولت را مجبور به عقب‌نشینی هائی نمود)، اگر در یونان هر روز کارگران بیشتری از کار بیکار می‌شوند اگر در انگلستان دولت این کشور با بیش‌تری تمام به قطع کمک‌های اجتماعی برخاسته و حتی به حقوق معلولین نیز یورش برده است، در اسپانیا و ایرلند و پرتغال و خلاصه همه کشورهای سرمایه‌داری نیز شاهد اشکال دیگری از این یورش گسترده به دسترنج و حقوق کارگران و مردم ستمدیده می‌باشیم.

در ایران نیز که تحت سلطه امپریالیسم بوده و سرمایه‌داری وابسته بر کشور حاکم است نه تنها بحران، کلیت نظام اقتصادی را فراگرفته بلکه به دلیل وابستگی سیستم به نظام جهانی، امپریالیست‌ها کوشیده و می‌کوشند بار بحران در کشورهای متروپل را نیز هر چه بیشتر بر دوش مردم ایران و در رأس آن‌ها کارگران و زحمتکشان سر ریز کنند. به همین دلیل هم ما هر روز در جامعه خود شاهد توقف چرخ تولید و خوابیدن کارخانه‌ها همراه با اخراج‌های وسیع کارگران، عدم افزایش دستمزدها متناسب با تورم کمرشکن موجود، عدم پرداخت مرتب دستمزدها و تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضاء به کارگران می‌باشیم. واقعیتی که نه تنها ابعاد گسترده بحران موجود را به نمایش می‌گذارد بلکه در همان حال موید تلاش ددمنشانه بورژوازی حاکم برای مکیدن هر چه بیشتر خون کارگرانی می‌باشد که جز فروش نیروی کار خود وسیله‌ای برای زنده ماندن ندارند. برای نمونه حداقل دستمزدی که برای امسال تعیین شده یعنی ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومان در ماه رسماً به مقادیر بسیار زیر خط فقر می‌باشد، بنا به اعتراف کارگزاران خود رژیم، این رقم، به سختی کفاف کرایه یک اتاق در ماه را داده و به طور کلی یک میلیون تومان کمتر از دستمزدیست که حتی برای زندگی در زیر

خط فقر، برای خانواده‌های کارگری لازم می‌باشد. امری که نشان می‌دهد سرمایه داران با حمایت کامل رژیم حامی خود یعنی جمهوری اسلامی همچون هیولای خون‌آشامی بیش از هر وقت دیگر خون کارگران را هر چه بیشتر مکیده و به دیگ سرمایه می‌ریزند.

این واقعیت نمی‌تواند و نمی‌توانست با مقاومت و اعتراض و مبارزه کارگران مواجه نشود و به همین دلیل هم هر روز شاهد مبارزات کارگران در چهار گوشه کشور می‌باشیم. اعتصاب کارگران نورد لوله صفا در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدشان، تجمع اعتراضی کارگران نی‌پر مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر و هفت‌تپه در مقابل نهاد ریاست جمهوری، اعتراض کارگران راه‌آهن یزد به قراردادشان از طریق شرکت های پیمانکاری، تجمع اعتراضی کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز در مقابل استانداری خوزستان به دلیل عدم دریافت ۲۶ ماه حقوقشان، شکایت کارگران پتروشیمی بندر امام به حداقل دستمزد سال ۱۳۹۲ و... خلاصه روزی نیست که کارگران برای دستیابی به دستمزدهای معوقه و در اعتراض به اخراج خود از کارخانه به پا بر نخیزند و یا برای لغو قراردادهای موقت چرخ تولید را نخوابانند.

این اعتراضات و مبارزات همه در شرایطی رخ می‌دهند که دیکتاتوری حاکم در پس هر اعتصابی که در واقع مکتب آموزش کارگران است "اژدهای" انقلاب را می‌بیند و به همین خاطر هم فوراً نیروی سرکوب خود را برای پراکنده کردن کارگران به صحنه می‌فرستد. واقعیت این است که جمهوری اسلامی در طول حیات سرکوبگرانه خود به مثابه رژیم حامی سرمایه داران وابسته حاکم، به هر وسیله‌ای از زندان و شکنجه و اعدام تا ترور و اخراج متوسل شده تا مبارزات کارگران را سرکوب نموده و به خصوص جلوی سازمانیابی کارگران را بگیرد و آن‌ها را از تشکلهای مستقل خود محروم سازد. به همین دلیل هم ویژگی بارز این اعتراضات و مبارزات، پراکندگی صفوف کارگران و فقدان تشکلیشان می‌باشد که باعث شده در بستر سرکوب بیرحمانه طبقه حاکم، کمتر قرین موفقیت گشته و انعکاس واقعی یابد. جمهوری اسلامی با خفقانی که اعمال کرده به روشنی تمام نشان داده که تا این رژیم بر سر کار است امکان سازمانیابی آزاد کارگران و ایجاد تشکلهای سراسری و توده‌ای کارگری وجود ندارد. به همین دلیل هم ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری وابسته که تا پا بر جاست چنین دیکتاتوریهائی را باز تولید می‌کند با برجستگی در مقابل کارگران ما قرار می‌گیرد. اما تجربه نشان داده که نابودی جمهوری اسلامی با همه جناح‌های درونی‌اش تنها زمانی به تحقق خواست های بر حق کارگران منجر می‌شود که به وسیله کارگران و متحدین شان و زیر پرچم خودشان رخ دهد و نه از طریق دار و دسته‌های استثمارگر دیگر و حامیان بین‌المللی‌شان و به اصطلاح آلترناتیوهای امپریالیستی. آلترناتیوهایی که از جمله این روزها برای فریب کارگران از حقوق کارگر دم زده و "ستاد هماهنگی فعالان کارگری" تشکیل می‌دهند.

**کارگران مبارز!**

تجربه سال ها مبارزات کارگران در سراسر جهان ثابت کرده رهائی کارگران تنها به دست خود آن ها امکان پذیر می باشد و این رهائی بدون صف مستقل کارگران و سازمان انقلابی کارگران به سرانجام نخواهد رسید. بنابراین نه تنها مبارزه برای بهبود شرایط کار و زندگی بلکه مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و پیشبرد امر انقلاب وظیفه بزرگی است که در مقابل کارگران ما قرار گرفته است. واقعیتی که بدون شکل دادن به سازمان انقلابی کارگران و اعمال قهر انقلابی بر علیه دیکتاتوری حاکم به سرانجام نمی رسد.

**در روز جهانی کارگر بکوشیم تا با همه توان جهت پیشبرد این رسالت بزرگ گام برداریم.**

**زنده باد اول ماه مه. روز جهانی کارگر!**

**مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!**

**پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!**

**چریکهای فدائی خلق ایران**

**اردیبهشت ۱۳۹۲**